

عنوان مقاله:

واحه، جنبه های بوم شناختی و پایداری در پردازش محیط و منظر

محل انتشار:

مجله صفه، دوره 16، شماره 3 (سال: 1386)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسنده:

سیدحسن تقوائی - دانشگاه شهیدبهشتی

خلاصه مقاله:

می دانیم که «واحه»، در مقیاس های مختلف، ریشه در تاریخ اسکان به ویژه در سرزمین های گرم و خشک جهان دارد. به علاوه، براساس مطالعات شرایط بوم شناختی و پایداری، جنبه های کالبدی و بافت (طبیعی و مصنوع) و نهایتا ارزش های فرهنگی از جمله مهم ترین ویژگی ها در کلیت واحه به شمار می آید. با توجه به این مشخصه ها و در روند فزاینده توسعه روستاها و شهرهای مناطق گرم و خشک، بررسی جنبه های گوناگون مصادیق و الگوهایی چون واحه اهمیت دارد. این اهمیت به ویژه به لحاظ چگونگی پایداری عناصر طبیعی، ویژگی های خرداقلیم، ارزش های بوم شناختی، کیفیت فضایی محیط باز و پردازش منظر پررنگ تر می شود. در مقیاس ایران نیز که ضمن داشتن سرزمینی وسیع و سیمایی متنوع، بهره مند از فرهنگ و تمدنی کهن است، واحه ها و زیست بوم های بیابانی نقش بسیار مهمی دارد. بر این اساس ویژگی های واحه، که در فرهنگ و الگوهای زیستی این سرزمین معرف نوعی یکپارچگی فضایی و پیوند کلی میان ارزش ها در عین کثرت و تنوع اجزای درونی خرداقلیم است، بررسی و بازشناسی می شود. هدف اصلی این مقاله ارائه نتایج مطالعه واحه به مثابه «الگوی زیستی پایدار در مناطق گرم و خشک» و نیز معرفی برخی ویژگی ها و جلوه های بصری محیط، «روح مکان» (Norberg-Schulz ۱۹۹۱)، بوم گرایی و نهایتا ارزش های پوشیده در پردازش سیمای طبیعی و مصنوع این پدیده است. بنابراین، در این مقاله از دیدگاه معماری و طراحی منظر، ضمن ارائه برخی نتایج مطالعه واحه به مثابه مهم ترین کانون حیات در سرزمین های گرم و خشک، تعریف نسبتا جامعی از آن ارائه می شود. همچنین برای شناخت بیشتر واحه (به مثابه الگوی زنده زیست بومی) از یک سو به پایداری این پدیده به مثابه نظام حاکم بر منظومه ای از اجزای گوناگون بوم، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد و از سوی دیگر به جنبه های بصری و مفهومی معماری منظر در آن توجه شده است؛ جنبه ها و مفاهیمی که از یک طرف به راز پایداری اشاره دارند و از طرف دیگر به شناسایی ویژگی های درخور معماری و طراحی منظر خاص مناطق گرم و خشک کمک می کنند. به نظر می رسد با ارائه چنین موضوعاتی در متون معماری و معماری منظر می توان ضمن توسعه حوزه های مشترک میان رشته ها، بستر مناسبی برای تعدیل برخی مشکلات و کاستی های شناخته شده در زمینه پردازش محیط و منظر زیست بوم های بالا فراهم کرد. همچنین نتایج مطالعاتی از این دست ممکن است زمینه ساز تدوین اصول و خصیصه های آموزنده از الگوهایی همچون «الگوی واحه» (تقوائی ۱۳۸۳) و طرح پرسش های تحقیقی در حوزه معماری و معماری منظر باشد. به علاوه، چنین مبحثی ممکن است توجه بیشتر به جنبه های مختلف بوم شناختی و قابلیت های طبیعی را در ارتباط با معماری و طراحی منظر سکونتگاه های روستایی و شهری مناطق گرم و خشک نیز به دنبال داشته باشد.

کلمات کلیدی:

واحه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1304569>



